

## فرصتهای بازبینی رشته اقتصاد اسلامی

احمد حشمتی مولایی<sup>۱</sup>

### چکیده

توسعه علمی آموزش اقتصاد اسلامی یکی از مهمترین خواسته‌های دانشجویان رشته اقتصاد در کشورهای اسلامی و حتی جوامع اسلامی در کشورهای پیشرفته است. با توجه به این که علم اقتصاد صورتهای مختلفی از اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را ترسیم می‌نماید. بنابراین توسعه علمی محورهای اسلامی دانش اقتصادی، پایه اصلی و زمینه‌ساز سایر ابعاد توسعه پایدار می‌باشد. از آنجا که اقتصاد همراه با ملاحظه ارزشها، بستری مناسب برای تحصیل توسعه نیروی انسانی و سایر ابعاد دیگر توسعه است، لذا بازبینی رشته اقتصاد اسلامی یکی از مهمترین دغدغه نظریه‌پردازان و کارشناسان است.

اهمیت انقلاب اسلامی ایران در ابعاد مختلف سیاسی، جامعه‌شناختی و بین‌المللی از منظر صاحب‌نظران پوشیده نیست. در عین حال بعد اقتصادی آن نیز نمی‌تواند از اولویت کمتری برخوردار باشد. بنابراین این مسئله می‌تواند مصداق و الگوی بارزی برای سایر جوامع خواهان توسعه در چارچوب اقتصاد اسلامی باشد. به همین دلیل فهم و شناخت مفاهیمی چون توسعه اقتصادی و ارتباط مفاهیم علمی با مسائل اقتصاد اسلامی، در سرنوشت ملت‌ها و به خصوص جامعه ایران حایز اهمیت است. به این ترتیب پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تبیین استراتژی جامعی در امر آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی، به منزله یک ضرورت ملی، مورد توجه مسئولان قرار داشته است. در این مقاله به تبیین موقعیت ویژه رشته اقتصاد اسلامی در ایران پرداخته و فرصتها و تهدیدهایی که روند توسعه اقتصاد اسلامی را در طی بیش از سه دهه، در قالب چالش‌های آموزشی و پژوهشی ایجاد نموده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد. عمده‌ترین مسئله پیش‌روی ما در بازبینی رشته اقتصاد اسلامی در ایران، ملاحظه فرصتها و یا تهدیدهایی است که ضرورت توجه هرچه بیشتر برنامه‌ریزی کارآمد و مدیریت مؤثر در این رشته را مورد تاکید قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد اسلامی، بازبینی آموزشی، آموزش رسمی، آموزش نیمه رسمی، آموزش غیر رسمی

طبقه بندی JEL: A230, p400

۱. کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی (دانشگاه تهران)، عضو انجمن علمی اقتصاد اسلامی و سازمان بسیج متخصصین Email: ahmad.heshmati@ymail.com

## مقدمه

به طور کلی هدف اساسی از این نوشتار، درک مفهوم اقتصاد اسلامی در رابطه با بازبینی روشهای آموزشی آن است. لذا مختصری در تبیین و توضیح واژه اقتصاد اسلامی اشاره خواهد شد.

الف) تعریف‌های مربوط به اقتصاد اسلامی متنوع و گوناگون است و مبانی آن با چارچوب‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و انسانی مرتبط است، به طور کلی تمامی تعریف‌های مذکور، در این امر دخیل هستند. از نظر برخی اقتصاد اسلامی همان مسائل فقهی و حقوقی مندرج در احکام اسلامی است و از نظر برخی دیگر اقتصاد اسلامی همان علم اقتصاد است که محدودیتهای فقهی از آن زدوده شده است. در هر دو حال علمی بودن اقتصاد با چالش مواجه می‌گردد. آنچه در این پژوهش به آن تاکید می‌کنیم، نظریه سومی است که در ادامه به آن اشاره خواهد گردید.

ب) شکی نیست که اقتصاد اسلامی مطلوب، در گروی تحقق همزمان توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رخ می‌دهد.

در مورد فرض اول به چند تعریف عمده و مطرح ذیل اشاره خواهد شد:

الف) اقتصاد اسلامی در واقع، بهینه‌سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک اجتماع در رابطه با

رشد عمومی و ارتقاء فناوری است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

" او شما را از زمین آفرید و به آبادسازی آن (تسریع در فناوری آن) واداشت. "سوره هود، آیه ۶۱

ب) اقتصاد اسلامی به فراگردی گفته می‌شود که در چارچوب آن، جامعه از وضعیتی نامطلوب به سوی وضعی مطلوب متحول می‌شود. این فراگرد تمامی نهادهای جامعه را دربرمی‌گیرد و ماهیت آن، اساساً این است که توان و ظرفیت بالقوه جامعه به صورت بالفعل درمی‌آید. به عبارت دیگر در فرایند بازبینی اقتصاد اسلامی، استعدادهای اجتماعی از هر جهت بارور و شکوفا می‌شود؛ چه از نظر اقتصادی و چه از نظری اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.

به روایت قرآن کریم زمانی که بنی اسرائیل سیر قهقراپی را طلب نمودند، "موسی(ع)، گفت چگونه پست تر را با بهتر عوض می‌کنید، به شهر فرود آئید تا آنچه که خواستید بیابید و ذلت و مسکنت بر آنان مقرر شد و به غضب خدا مبتلا شدند زیرا آیه‌های خدا را انکار همی کردند". قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۶۱

ج) آموزش اقتصاد اسلامی مستلزم تحقق تعاون عمومی و مشارکت خلاقانه مردم در همه اقشار اجتماعی، در بهره‌برداری کامل از نیروهای مولد ملی و ظرفیتهای انسانی یک جامعه است.

د) در عین حال اقتصاد اسلامی را می‌توان مجموعه‌ای از فعالیتها برای هدایت در جهت ایجاد شرایط مطلوب زندگی براساس نظام ارزشی مورد پذیرش جامعه تعریف کرد. بنابراین، اقتصاد اسلامی را باید طیفی از تغییرات به هم پیوسته، در جهت تأمین نیازهای رو به گسترش جامعه دانست. به عبارت دیگر، اقتصاد اسلامی فراگردی است که شرایط زندگی نامطلوب را به زندگی مطلوب تبدیل می‌کند.

## پیشینه تحقیق

چالشهای پیش روی بازبینی اقتصاد اسلامی، پیچیده و متنوع است. در یک نگاه جزئی گرایانه، موارد متعددی قابل طرح و پیگیری می‌باشد، یکی از مهمترین چالشهای بازبینی اقتصاد اسلامی در جوامع اسلامی، نابرابری اجتماعی با ابعاد متنوع آن است.

به طور کلی ذهنیت عمومی جوامع اسلامی نسبت به اقتصاد اسلامی؛ دینی است، یعنی صبغه دینی داشته و نسبت به اصول دینی<sup>۱</sup> حساس است و آموزه‌های دینی در آن بسیار تأثیرگذار می‌باشد؛ از همین رو عدالت محور و برابری خواه

۱. religious codes

است. آنچه در بازبینی آموزشی اقتصاد اسلامی باید صورت گیرد، بر اساس نظر پرفسور "توصیف عزیز" (عزیز، ۱۹۹۹)، بازبینی همزمان<sup>۱</sup> آموزشهای رسمی و غیر رسمی است.

از نظر پرفسور "عزیز" استاد دانشگاه طبیه مدینه النبی، هماهنگی در آموزشهای رسمی اقتصاد اسلامی که در دوره‌های متوسطه و دانشگاهی صورت می‌گیرد و آنچه در دوره‌های غیر رسمی که در مساجد و حوزه‌های دینی معمولاً تعلیم می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصاد اسلامی داشته باشد. بدیهی است طبق این بررسی عدم هماهنگی آموزشی بین روشها خود مانعی باز دارنده در مسیر توسعه و پیشرفت اقتصاد اسلامی خواهد بود. در جمهوری اسلامی ایران تاکنون بررسی ارتباط بین شیوه‌های آموزشی اقتصاد اسلامی بسیار محدود بوده است و برخی محققین بر "میان رشته‌ای"<sup>۲</sup> بودن اقتصاد اسلامی (حشمتی م، ۱۳۸۶)، در رابطه با بازبینی رشته اقتصاد اسلامی تاکید نموده‌اند. در واقع با توجه به «میان رشته‌ای» بودن اقتصاد اسلامی، دستیابی به چنین شیوه آموزشی در رابطه با اقتصاد اسلامی به یقین باید از تعهدی جامع و همه جانبه آغاز شود. بنابراین، با توجه به این که مهم‌ترین نشانه آشکار و بیشترین احتمال در قبول تعهد جامع یک فرد می‌تواند بر اساس اخلاق فطری و اعتقاد دینی تلقی شود، با مراجعه به مجامع عمومی و مجامع دانشگاهی نقش هماهنگی آموزشی در مقایسه با عدم هماهنگی موجود بر بازبینی رشته اقتصاد اسلامی می‌تواند نقش بارزی داشته باشد.

در یک پژوهش که در شعبه فرانسوی بانک جهانی در رابطه با نقش عملیاتی آموزشهای غیر رسمی مطرح گردید اهمیت نقش آموزشهای غیر رسمی در کنار آموزشهای رسمی مورد تاکید قرار گرفت (سن، ۲۰۰۶). همین دیدگاه از نظر برخی متفکرین اقتصادی (سینجینگر، ۲۰۰۶) در رابطه با نقش آن در تبیین مفاهیم و سیاستهای اقتصادی تاکنون مورد پژوهش بوده است. از دیدگاه آندره سویسا (سویسا، ۲۰۰۶) توجه به هماهنگی آموزشهای غیر رسمی در کنار آموزشهای رسمی می‌تواند فاصله بین "آنچه که ما می‌دانیم" و "آنچه که ما می‌توانیم عمل کنیم" را کاهش دهد. به این ترتیب با توجه به مفاهیم فوق‌الذکر بازبینی آموزش رشته اقتصاد اسلامی را می‌توان طبق نمودار ۱ به طور نظام مند و سیستمی در چهار بخش مورد بررسی قرار داد.

### نمودار ۱. مراتب بازبینی آموزش اقتصاد اسلامی



این چهار بخش شامل آموزشهای کاربردی، آموزشهای غیررسمی، آموزشهای نیمه رسمی و آموزشهای رسمی است که هر مورد را ادامه مورد بحث قرار میدهم.

۱. Simultaneous

۲. Inter-disciplinarily

### ۱. بازبینی آموزشهای کاربردی اقتصاد اسلامی

آموزش‌های کاربردی اقتصاد اسلامی<sup>۱</sup>، معمولاً با هدف ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت همه جانبه در چارچوب گسترش و اعتلای یافته‌های اسلامی، ارتقای شاخص‌های کمی و کیفی و منزلت اجتماعی در چارچوب فرهنگ دینی، فراهم‌سازی زیربنای مناسب به منظور به‌کارگیری توان‌بازاریان، کسبه و فارغ‌التحصیلان دوره‌های نظری و به‌طور کلی عموم مردم در حل مسائل کاربردی و آماده‌سازی زیربنای مناسب برای ایجاد و انتقال تعلیمات شرعی که در قالب یک تکنولوژی نوین طراحی می‌گردد و به دو صورت پودمانی و یا کاردانی به اجرا در می‌آید.

براساس ماده یک آیین‌نامه تشکیل شورای عالی آموزش‌های علمی - کاربردی (مصوب جلسات ۲۳۴ و ۲۳۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی)، «آموزش‌های علمی - کاربردی به آموزشهایی اطلاق می‌شود که به قصد ارتقا دانش افراد و ایجاد مهارت‌های لازم و به فعالیت در آوردن استعداد‌های نهفته در ایشان تعلیم داده می‌شود و دانش‌آموختگان را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار در مشاغل گوناگون آماده می‌کند و توانایی آنان را برای انجام کاری که به آنان محول شده است تا سطح مطلوب افزایش می‌بخشد»<sup>۲</sup>. همچنین در آیین‌نامه مذکور آمده است «هدف از این آموزشها تربیت افرادی است که در کلیه سطوح برای بخشهای مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات به آنان نیاز است».

همانگونه که مشخص است این تعاریف و اهداف عیناً از تعریف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برگرفته شده است. اما طرفداران آموزش‌های علمی - کاربردی بین آموزش فنی و حرفه‌ای و این آموزش تفاوت‌هایی را مطرح می‌کنند. و اظهار می‌دارند که «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عمدتاً کوتاه‌مدت بوده و خارج از نظام آموزش رسمی ارائه می‌شوند و افراد را برای حرف و مشاغل مختلف آماده می‌سازند، در حالیکه آموزشهای علمی - کاربردی با جهت‌گیری شغلی و حرفه‌ای در مقاطع هم‌تراز با آموزشهای رسمی کشور و بالاتر از سطح دیپلم، طرح‌ریزی و اجرا می‌شوند».

اجرای آموزشهای علمی - کاربردی توسط دانشگاه جامع تکنولوژی صورت می‌گیرد که تشکلی از موسسات آموزش عالی علمی - کاربردی است و اساسنامه آن در زمستان سال ۱۳۷۲ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای گسترش دانشگاهها و موسسات آموزش عالی رسیده است.

این دانشگاه که توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تاسیس یافته وظیفه برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت بر موسسات آموزش عالی علمی - کاربردی را به عهده دارد. این دانشگاه زمینه‌ای را فراهم نموده است که با مشارکت سازمانها و دستگاههای اجرایی در بخش دولتی و غیردولتی، تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام گیرد. اما با گذشت بیش از یک دهه، هنوز پیامد خاصی که بیانگر جذب فارغ‌التحصیلان هریک از موسسات وابسته به این دانشگاه در دانش و مهارت کسب شده باشد، منتشر نشده تا بتوان به میزان موفقیت آن پی برد. در صورت موفقیت این برنامه آموزشی بخشهای زیادی از عملیات حرفه‌ای اقتصاد اسلامی وجود دارد که نیازمند این نوع آموزش هاست و پیش‌بینی می‌شود که بخش بزرگی از بازاریان و کسبه علاوه بر دانشجویان تازه فارغ‌التحصیل تقاضای قابل‌قبولی را در این شاخه آموزشی اقتصاد اسلامی به وجود آورند. بسیاری از شاخه‌های اقتصاد اسلامی جنبه کاربردی دارد و بسیاری از فعالان اقتصادی به این نوع آموزشها در رابطه با معاملات، سرمایه‌گذاری و غیره نیازمند می‌باشند. این فعالان که بدنه اصلی کسب و کار را تشکیل می‌دهند فرصت ورود به نظام رسمی آموزش اقتصاد اسلامی را ندارند ولی با تنظیم و بازبینی مطالب کاربردی اقتصاد اسلامی می‌توانند نقش مؤثری در توسعه اقتصاد اسلامی داشته باشند.

در عین حال بازبینی همزمان این پودمانهای آموزشی میتواند نقش مهمی در اصلاح مطالب در بخش رسمی و نظریه پردازی اقتصاد اسلامی ایفا نماید. این نوع از آموزشهای اقتصاد اسلامی اگرچه تاحدودی به آموزشهای نیمه

۱. Applied Training of Islamic Economics

۲. آیین‌نامه تشکیل شورای عالی آموزش‌های علمی - کاربردی (مصوب جلسات ۲۳۴ و ۲۳۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

رسمی شباهت دارد لکن اغلب نوعی پیش نیاز برای ورود به عملیات اقتصادی است و ممکن است حتی در برخی موارد منجر به دریافت گواهینامه خاصی نگردد.

## ۲. بازبینی آموزشهای غیر رسمی اقتصاد اسلامی

آموزش غیر رسمی اقتصاد اسلامی<sup>۱</sup>، نوعی آموزش است که بر خلاف آموزشهای رسمی و نیمه رسمی که منجر به مدرک تحصیلی و یا گواهینامه می شود، تنها منجر به ارتقاء دانش عمومی اقتصاد اسلامی می گردد. آموزش غیر رسمی اقتصاد اسلامی که عموماً غیر مستقیم از طریق خانواده، رسانه ها و بازار و به ویژه مساجد و محافل دینی منتقل می گردد، فاقد زمان بندی، مدرک تحصیلی یا گواهی نامه است و مخاطب خاص و محل ویژه ای ندارد.

به طور کلی همانگونه که گفتیم برنامه‌هایی که در مدارس و دانشگاه‌ها اجراء می‌شود و به گرفتن مدارک تحصیلی منتهی می‌گردد، آموزش رسمی نام گرفته است. بدیهی است آموزش فقط به سواد و آنچه در مدرسه آموخته می‌شود، منحصر نیست. موضوعات و مطالب آموختنی بی‌شمار هستند. انسان همیشه در حال آموختن است، چه در مدرسه و چه در خارج از آن که تجربه نقش اصلی را در آن ایفا می‌نماید؛ در بازار کسب و کار، در خانواده، در میدان بازی، در محیط کار، در اجتماع، در طبیعت، از آنچه می‌شنود، می‌بیند و از راه حس‌های مختلف درک می‌کند و از آنچه درباره آن تفکر میکند و به هر آموزشی که در خارج از مدرسه (دانشگاه و سایر محافل رسمی آموزشی) انجام می‌شود و به مدرک تحصیلی منتهی نمی‌شود، آموزش غیر رسمی می‌گویند.

به این ترتیب دامنه آموزش غیر رسمی به مراتب وسیع‌تر از آموزش رسمی است. اهمیت آن نیز از نظر رشد و بلوغ عاطفی، فکری، سیاسی و اجتماعی بیشتر می‌باشد. بدین جهت، به تدریج مقام و موقعیت خاصی پیدا کرده است و فعالیت‌های منظمی توأم با برنامه‌ریزی در بعضی از زمینه‌های آن، مانند آموزش مسائل اقتصادی خانواده و فعالیت‌های اقتصادی جوانان، می‌تواند در چارچوب اقتصاد اسلامی نیز بارور شود. در حقیقت، برنامه‌ریزی و خدمات و فعالیت‌های مذهبی مثل صندوقهای قرض الحسنه مساجد و یا جمع آوری وجوه خیریه و نذورات، هم‌چنین آموزش‌های بزرگسالان نیز بخش بزرگی از فعالیت‌های آموزش غیر رسمی<sup>۲</sup> را در اقتصاد اسلامی تشکیل می‌دهند.

در بسیاری از کشورها، برنامه‌ریزی و اجرای خدمات آموزش غیررسمی توسط سازمان‌های مختلفی از وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شود، این در حالی است که در جمهوری اسلامی ایران با توجه به حوزه ها و مساجد زمینه وسیعی برای ساماندهی این آموزش وجود دارد ولی تاکنون برنامه ای برای بازبینی آموزشی این نوع از فعالیتها صورت نگرفته است.

۱. Informal Training of Islamic Economics

۲. Informal Training Activities

### ۳. بازبینی آموزشهای نیمه رسمی در اقتصاد اسلامی

آموزش نیمه رسمی اقتصاد اسلامی<sup>۱</sup> نوعی آموزش است که بر خلاف آموزشهای رسمی که منجر به مدرک تحصیلی متمرکز و قابل تداوم می‌گردد، صرفاً با دریافت نوعی گواهینامه خاتمه می‌یابد. بدیهی است این نوع آموزش تنها منجر به ارتقاء دانش جزئی اقتصاد اسلامی می‌گردد. با این حال می‌توان گفت که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تا حدودی به این نوع آموزش نزدیک است اما آموزشهای نیمه رسمی اولاً وسعت بیشتری دارد و آموزشهای غیر کاربردی را نیز شامل می‌شود، ثانیاً این آموزشها حتماً با دریافت نوعی گواهینامه از طریق وزارتخانه‌های مسئول باید تایید گردد در حالیکه آموزشهای فنی و حرفه‌ای حتی در یک موسسه خصوصی قابل تأمین است.

در حال حاضر در رابطه با آموزشهای نیمه رسمی اقتصاد اسلامی متأسفانه برنامه خاصی تدوین نشده و این مسئله در صورت پیگیری می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء سطح علمی جامعه داشته باشد. امروزه بخش اعظمی از آموزشهای اقتصاد اسلامی بیشتر در بانکها و صرفاً در رابطه با عقود اسلامی صورت می‌گیرد و سایر بخشهای اقتصاد اسلامی در شاخه نیمه رسمی متولی خاصی ندارد.

به طور کلی آموزش نیمه رسمی آموزشی است که در خارج از نظام آموزشی متعارف به صورت مستقل یا به عنوان جزیی از یک فعالیت گسترده تر سازماندهی شده و برای ارائه خدمت به گروهی خاص و با هدف‌های آموزشی مشخص طراحی شده‌اند. همچنین به تعریفی دیگر، آموزش نیمه رسمی به هر نوع فعالیت آموزشی و کارآموزی اطلاق می‌شود که سازمان یافته است ولی در خارج از نظام آموزش رسمی، تحقق می‌پذیرد. دوره‌های آموزشی و کارآموزی کوتاه مدت در زمینه‌های گوناگون عقیدتی-سیاسی، سوادآموزی، بهداشت، تعاون، کمک‌های اولیه، تنظیم خانواده، کسب مهارتهای حسابداری و حسابداری در زمینه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات و انواع آموزشها برای بارور ساختن ساعات فراغت و غیره از جمله آموزشهای نیمه رسمی است که بنحوی با اقتصاد اسلامی ارتباط دارد ولی در این موارد تاکنون برنامه مرتب و سازمان یافته‌ای تدوین نشده است.

در ایران مانند بسیاری از کشورها، آموزش نیمه رسمی حتی به صورت آموزش ضمنی به صورت شاگرد-استادی وجود داشته است، اما آموزش ضمن خدمت به صورت امروزی و به شیوه مؤسسه‌ای تا اواسط دهه ی ۱۳۱۰ مطرح نبوده است. و ابتدا در سال ۱۳۱۴ در راه‌آهن ایران مرکزی به نام «هنرستان فنی راه‌آهن» تأسیس شد. (بزاز، ۱۳۷۳)

در این حال دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در ایران نیز توجه دولت را به امر آموزش نیروی انسانی در بخش دولتی معطوف کرد. چنانکه در تهیه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵، فصل جداگانه‌ای به امر آموزش کارکنان اختصاص داده شد. این اقدام نقطه آغازی در امر آموزش نیروی انسانی در سطح گسترده و منظم تلقی گردید. تأسیس مرکز آموزش مدیریت دولتی در سال ۱۳۴۸ و آغاز فعالیتهای آموزشی این مرکز جهت آموزش گسترده و منظم در دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، علاوه بر فراهم‌نمودن زمینه‌های آموزش کارکنان دولت، اهمیت موضوع را بیش از پیش آشکار نموده و راه را برای تجدید بنای نیروی انسانی در سازمانهای دولتی باز کرد.

### ۴. بازبینی آموزش‌های رسمی اقتصاد اسلامی:

آموزش رسمی اقتصاد اسلامی<sup>۲</sup>، آموزشی است که دارای ساختار سلسله‌مراتبی و پایه‌های تحصیلی و دارای توالی زمانی و بلند مدت و از همه مهم‌تر متکی به زیر بنای تئوریک می‌باشد. به عبارتی دیگر، آموزش رسمی یا مدرسه‌ای<sup>۳</sup>

۱. Non-Formal Training of Islamic Economics

۲. Formal Education of Islamic Economics

۳. Classroom-based

شامل آن قسمت از نظام آموزشی است که از کودکان آغاز و تا آموزش عالی ادامه می‌یابد. این نوع آموزش، سازمان یافته است و دارای ساختاری مشخصی می‌باشد و از سلسله مراتب منظمی پیروی می‌کند.<sup>۱</sup>

متأسفانه در دبستان و دبیرستان سلسله مراتب منظمی در رابطه با آموزش اقتصاد اسلامی مشاهده نمی‌شود. این در حالی است که آموزش و پرورش در سنین پائینتر اساسی‌ترین عامل در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی است و رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز به نوبه خود امکان نوآوری در اقتصاد اسلامی را بیشتر و عمیق‌تر فراهم می‌آورد. رشد و توسعه اقتصادی در هر رشته و به خصوص اقتصاد اسلامی منوط به نوآوری است و این مسئله یکی از اهداف مهم تمام کشورها و جوامع اسلامی است.

به طور کلی در کشورهای در حال توسعه و یا پیشرفته صنعتی اهداف اقتصادی متفاوت است. ممکن است در کشورهای پیشرفته صنعتی، توسعه به معنای کاهش بیکاری و افزایش واقعی رفاه اجتماعی مردم تلقی شود و در کشورهای در حال توسعه از یک سو به معنای کاهش یا محو فقر و محرومیت و از سوی دیگر به معنای کوشش برای بالا بردن تولید ناخالص ملی و ارتقای استانداردهای زندگی مردم به سطحی هدف گذاری شود که کشورهای توسعه یافته از آن بهره‌مند هستند.

به همین دلیل نقش آموزشی اقتصاد اسلامی به عنوان وسیله‌ای برای رشد و توسعه اقتصادی، در طول زمان کاملاً متفاوت است. به زبان ساده تر، گسترش آموزش رسمی اقتصاد اسلامی که در سطوح و انواع مختلف دسته‌بندی می‌شود، ممکن است در برخی مراحل جریان رشد، اساسی‌ترین کار باشد، در حالی که در مابقی مراحل ممکن است به دلیل اولویت هدف‌های دیگر با اهمیت کمتری تلقی شود.

یکی از تأثیرات مهم گسترش واقع بینانه تعلیم اقتصاد اسلامی آن است که موجب توسعه تمایلات آزادی خواهانه سیاسی و اجتماعی می‌شود. تأثیر مهم دیگر آن است که گسترش آموزش و پرورش موجب تعدیل بخشهای اقتصادی و عدالت اجتماعی می‌شود به این طریق یک مشکل بزرگ کشورهای در حال توسعه را کاهش می‌دهد.

آموزش راستین اقتصاد اسلامی<sup>۲</sup> باعث تغییر ارزش‌ها و طرز تلقی‌های افراد می‌شود و این خود تأثیری مستقیم بر وضعیت اقتصادی دارد. غالب تحقیقات حاکی از آن است که رشد اقتصادی با بهبود آموزش علمی اقتصاد اسلامی و پذیرش مردم ارتباط دارد. آموزش‌های نیمه رسمی و غیر رسمی اقتصاد اسلامی نیز همراه با تجارب ضمن خدمت<sup>۳</sup> نیز در کارایی شغلی، مخاطره زدایی و پیشرفت اقتصادی مؤثرند و به هر صورت، نوع سیستم آموزش اقتصاد اسلامی و اهداف و برنامه‌ها و امکانات آن نیز در میزان رشد اقتصادی کاملاً مؤثر است.

برای مثال اگر برنامه‌های تحصیلی دوره متوسطه عموماً جنبه آمادگی در دانش اقتصاد اسلامی داشته باشد و بخش محدودی از آن به آموزش‌های تئوریک و فراهم کردن مقدمات ورود به دانشگاه برای افراد مستعد اختصاص یابد به رشد علمی این رشته کمک خواهد کرد و می‌توان گفت: هرگاه آموزش جنبه غیرمتمرکز یا نیمه متمرکز داشته باشد موجب احساس مسؤولیت و توجه بیشتری از جانب بازار آزاد و نیروهای محلی و ملی خواهد شد. در این صورت هم به توسعه آموزش دامن خواهد زد و هم نتایج اقتصادی بهتری به بار خواهد آورد. به منظور وصول به رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اسلامی، باید در درجه اول بر آموزش عمومی اقتصاد اسلامی به خصوص در دبیرستانها همت گذاشت و سپس در سطوح عالی و دانشگاهی تداوم این مبحث را با توجه به اصول موضوعی<sup>۴</sup> اقتصاد اسلامی، در یک مقایسه تطبیقی مورد تحلیل قرار داد.

۱. Hierarchically Structured

۲. Realistic Islamic Economics Education

۳. In-Service Experience

۴. Axioms

## ۵. نتیجه گیری

مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کیفیت تقاضا برای آموزش را تعیین می‌کند و کیفیت این تقاضا نیز سرنوشت دانشگاه را رقم می‌زند. در این حال نوع تقاضای اجتماعی است که انتظار از دانشگاه، کیفیت آموزش، مناسبات انسانی، فرآیندهای علمی، نوع پژوهش و سبک یادگیری و آموزش در دانشگاه را می‌سازد.

چنانچه نیازمندی‌های آموزشی به طور صحیح تشخیص داده شوند و بهترین برنامه آموزشی تدوین گردد و از شایسته‌ترین مدرسین نیز استفاده شود ولی در شرکت کننده علاقه وجود نداشته باشد، آموزش با موفقیت همراه نخواهد بود. بنابراین یکی از اولین قدم‌هایی که در راه آموزش موثر، می‌بایست برداشته شود، جستجو و ایجاد این رغبت و علاقه یا به عبارت دیگر ایجاد انگیزه در بین شرکت کنندگان است. دانشجویان می‌بایست به آموزش، اثر آموزش، اعتبار و لزوم آن اعتقاد داشته باشند و متقاعد شده باشند که آموزش می‌تواند بنحوی به آنان کمک کند که اطلاعات مهم و ضروری را کسب کنند.

یک سوال مهم برای دانشجوی در رابطه با اقتصاد اسلامی این است که آیا دانشی که به او می‌دهیم آیا می‌تواند در مظان نقد قرار گیرد و آیا فرصت آزمون برای او فراهم می‌شود یا اجباراً باید مطالب را به عنوان یک امر متقن بپذیرد. به تعبیر دیگر آیا کلاس درس دانشگاه در رابطه با اقتصاد اسلامی به سؤال نمره می‌دهد یا به پاسخ.

در سیستم فعلی، آموزش عالی در درجه اول مبتنی بر نیاز توسعه صنعتی و اقتصادی نیست، بلکه طراحی آموزش عالی معمولاً پاسخ به تقاضای اجتماعی ورود به دانشگاه و اخذ مدرک است. نگاه کلان آموزش عالی عمدتاً به خروجی‌های دانشگاه نمی‌پردازد و صراحتاً اعلام می‌کند که مسئولیت اشتغال فارغ‌التحصیلان به عهده آموزش عالی نیست. به همین دلیل محتوی اقتصاد اسلامی همانند اکثر رشته‌های علوم انسانی دارای پویایی لازم نیست.

در واقع مسئله اشتغال دانش‌آموختگان مسئله فرعی و صرفاً ورود و حضور در دانشگاه در کانون توجه قرار گرفته است. این مشکل بیشتر بدین دلیل به وجود آمده است که گسترش آموزش با رویکرد پاسخ به ورودی‌ها گسترش یافته است نه نیاز بازار کار و کیفیت خروجی‌ها. بنابراین گردش مالی مؤسسات حمایتی برای ورود به دانشگاه بسیار زیاد است و در خروج، کمتر مؤسسه‌ای یافت می‌شود که به فارغ‌التحصیلان راهنمایی و مشاوره‌های حمایتی بدهد. ورودی‌ها معمولاً با انگیزه می‌آیند ولی با نگرانی و با مدرکی که مشخص نیست در کدام بخش اقتصادی باید مشارکت داشته باشند، دچار سرگردانی میشوند.

به اقتصاد اسلامی عمدتاً به عنوان حیات خلوت نخبگان و کمتر به عنوان اتاق فکر برای حل معضلات اجتماعی نگاه شده است. که حل این مشکل نیازمند بازبینی کاربری رشته اقتصاد اسلامی و بازاندیشی در کارکردهای آن است. به طور کلی می‌توان پیشنهاد نمود که :

- ۱- موضوع اقتصاد اسلامی به صورت سیستمی و در تمام مقاطع آموزشی اعم از رسمی و غیر رسمی هماهنگ<sup>۱</sup> شود و مناسباتی بین مسئولین آموزشی حوزه، دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی جهت هماهنگی به وجود آید.
- ۲- در بخش آموزش عالی جنبه‌های تخصصی و کاربردی اقتصاد اسلامی کاملاً مورد ملاحظه برنامه ریزان آموزشی قرار گیرد و جنبه‌های کاربردی آن مورد هدف گذاری قرار گیرد.
- ۳- یافته‌های متخصصین اقتصاد اسلامی در سایر کشورها مورد ملاحظه و تبادل نظر قرار گرفته و استانداردهای آموزشی اقتصاد اسلامی تعیین و تأمین گردد.
- ۴- در ارتباط با پیشرفت‌های اقتصاد متداول لازم است از هرگونه نوآوری پژوهشی در اقتصاد اسلامی به خصوص در فضای دانشگاهی حمایت به عمل آید



## منابع و مآخذ

- آیین نامه تشکیل شورای عالی آموزش های علمی - کاربردی (مصوب جلسات ۲۳۴ و ۲۳۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی)
- بزاز جزایری، سیداحمد (۱۳۷۳)، آموزش کارکنان به عنوان ضرورتی شناخته شده در سازمان های اداری و صنعتی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۳.
- حشمتی مولایی، حسین. (۱۳۸۹). رهیافت میان رشته ای در آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی. تابستان ۱۳۸۹.
- قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵
- محمدی. داود. (۱۳۸۳)، برنامه ریزی آموزش های ضمن خدمت کارکنان. انتشارات پیوند. ۱۳۸۳.
- Aziz, Toseef, (1999), "The Effects of the Interaction of Formal and Informal Institutions on Social Stability and Economic Development", *Journal of Markets and Morality* 2, 164-181].
- Sen, G. (2006) Informal Institutions and Gender Quality, paper presented in the International Seminar on Informal Institutions: What do we know, what can we do? held on 11-12 December 2006, The World Bank's Paris Offices, 66 Avenue, d'Ie'na, Paris, France.
- Sindzingre, A(2006) The Relevance of the Concepts of Formality and Informality: A Theoretical Appraisal in Linking the Formal and Informal Economy: Concepts and Policies, Basudeb Guha
- Soysa, Indra de (2006) Informal Institutions and Development: Think Local, Act Global? paper presented in the International Seminar on Informal Institutions: What do we know, what can we do? held on 11-12 December 2006, The World Bank's Paris Offices, 66 Avenue, d'Ie'na, Paris, France.